

# ایران

تألیف

دکتر ر. گئیرشمن

بقام : آقای دکتر یارناطر

دانشیار زبان اوستائی و فارسی باستان

پرفسور M. Mallowan ، ۱۹۵۴ . IRAN ,by R. Ghirshman (A Pelican Book) ، ۱۹۵۴ ، با مقدمه

پرفسور M. Mallowan ، ۱۹۵۴ .

نوشتن تاریخ هموار و منظمی از آنچه از آغاز تا ظهور اسلام در سرزمین ایران گذشته کاری دشوار است . اگر تاریخ ایران پیش از اسلام را بدگر خاندانهای مادی و هخامنشی و اشکانی و ساسانی و حوادث میان آنها منحصر میگردیم ، این دشواری چندان نبود . اما ذهن کنجکاو باین حدود خرسند نمیشود . حفاریهایی که در بعضی از نقاط ایران ، مانند « سیالک » نزدیک کاشان ، و « تپه حصار » نزدیک دامغان ، و « گیان » نزدیک نهاوند بعمل آمده ، وهم چنین اشیاء و لوازم فلزی که در لرستان و سقز و شوش بدست افتاده ، گنجینه‌ای از مواد تازه از چهار هزار سال پیش از مسیح برای تحقیق تاریخ ایران فراهم ساخته است .

در سیالک از قریب شش هزار سال پیش ازین ظروف سفالی خوش نقشی بدست آمده که حاکی از تمدن پیشرفته و سابقه کهن تری است . ارتباطی که میان اینگونه آثار و بعضی از آثار سومری در مغرب ، و آثار کهن « موهینجودارو » در هندوستان میتوان دید ، کنجکاوان را بیش از پیش بچگونگی این ارتباط و تعبیر تمدن بسیار کهنی که محتملاً ارسومر تا هندوستان گسترده بوده جلب کرده است .

بحث از تاریخ و زندگی مردمی که در ایران زیسته اند بدون توجه بتاریخ و تمدن

اقوامی که در اطراف ایران میزیستند تمام نیست. پیش از آنکه ستاره هخامنشیان در آسمان مشرق بدرخشد، اقوام کهنسال متعدد در سواحل مدیترانه و کشورهای شرق قدیم سروری و حکومت یافته بودند. تنها بابل دوره‌های پی‌درپی از رونق و انحطاط بخود دیده و ایام توانمندی و افتادگی گذرانده بود. سومریها و اکدیها و عیلامیها و آشوریها و کاسی‌ها و گوتی‌ها بنوبت در آن رخت انداخته بودند. در سواحل مدیترانه اقوام گوناگونی از مصری و فینیقی و ختی (هیتی) و کنعانی و عبرانی و آشوری و مردم قدیم جزیره کرت (اقریطس) و اقوام هند و اروپایی، چون آخانی و ایلیری و فریژی، روزگار گذرانده و با هم آمیخته بودند. بگفته‌استد، «وقتی کورش پادشاهی رسید، دنیا دنیائی کهن بود، و از قدمت خود نیز آگاهی داشت»<sup>۱</sup> ایرانیان که در کنار دنیای قدیم قرار داشتند و کوه‌های زاگرس آنها را از مراکز عمده تمدن جدا میکرد، وقتی با این مراکز در آمیختند، با تمدنی پیچیده و مخلوط روبرو شدند و باقتباس پرداختند. این اقتباس را در خط و معماری و مذهب و صنایع و آثار هنری ایران میتوان دید.

هزاران سال گذشت تا ایرانیان بر این دنیای وسیع و همه مراکز آن، با آن همه نژادها و آداب و رسوم گوناگون، دست یافتند و امپراطوری هخامنشی را بنا نهادند. پیش از کورش، مردم ایران بیش از سه هزار سال بود که با تمدن آشنائی داشتند. تاریخی که زنده گی این مردم را از قدیمترین زمانها یعنی از روزگاری که دسته‌های کوچک از کوه بدشت آمدند و نخستین خانه‌های گلی را بنا نهادند، تا روزگاری که بردولتهای نیرومند بابل و آشور پیروز شدند، و پس از آن از روزگاری که شیرازة کارشان بدست اسکندر از هم گسست و تا اندکی بعد که باز قد برافراشتند و در برابر رومیان ایستادند، و باز تا آنگاه که مغلوب تازیان شدند - مورد گفتگو قرار دهد و ارتباط ایرانیان را با سایر اقوام آشکار سازد و آخرین نتایج کشفیات باستان شناسی را شامل باشد مورد نیاز پژوهندگان تاریخ ایران بود.

کتاب آقای دکتر همبرشمن این نیاز را برمی آورد. این کتاب در سال ۱۹۴۹

۱ - A. T. Olmstead, Histoay of the Persian Empire, p. 1

بنام L' Iran des origines à l' Islam در فرانسه انتشار یافت. اینک ترجمه انگلیسی آن که کتاب اصولاً بمنظور آن تألیف شده بود، با تصاویر بیشتر و بهتر انتشار یافته است.

امتیاز این کتاب یکی آنست که تاریخ ایران را از قدیمترین ازمه تا آغاز اسلام بصورت داستان مسلسل و پیوسته‌ای بیان می‌کند. بخلاف بعضی تواریخ که تاریخ ایران را از آمدن آریائیها بایران شروع می‌کنند و تاریخ عیلام و کاسی‌ها و سکاها ی غربی و مردم دیگری را که در این سرزمین بسر برده‌اند جدا محسوب میدارند، آقای دکتر گیرشمن آنچه را در سرزمین ایران گذشته - هر چند مربوط بنژادهای غیر آریائی باشد - تاریخ ایران می‌شمارد. با مطالعه آن، خواننده وحدتی را که در زندگی مردم این سرزمین وجود داشته و عواملی را که با گذشت ایام در آن تأثیر کرده است درمی‌یابد.

امتیاز دیگر این کتاب از لحاظ ما اینست که آقای دکتر گیرشمن، بی آنکه در ایران دوستی تعصب بورزد، تاریخ ایران را با اعتقادی راسخ باهویت و عظمت تمدن ایران نوشته است. از همه صفحات کتاب باسانی میتوان شوق و علاقه مؤلف را بتمدنی که در این سرزمین روئیده و شکفته دریافت. سهمی که ایرانیان در توسعه و تکمیل تمدن دنیای قدیم دارند همه جا با بیانی رسا تأکید شده:

میخوانیم که ایران موطن اصلی ظروف سفالین است و در هیچ نقطه دیگر چنین هنر و مهارتی مشهود نیست، (ص ۳۳). تنها سفالگر ایرانی است که در روزگاری چنین کهن، یعنی قریب ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد، پس از آشکار کردن مهارت خود در نقشهای طبیعی، بنقشهای انتزاعی و تزیینی سیر کرده است (ص ۳۳-۳۴). باز میخوانیم که گندم و جو که بومی ایران است از این سرزمین بمصر و اروپا برده شد (ص ۳۵) و هنر سفالسازی از مراکز فلات ایران بدره رود سند و آسیای وسطی و کشورهای غربی رسید (ص ۴۴). در هزاره سوم پیش از مسیح ایران با تهیه فلزات و مواد ساختمانی و چوب در پیشرفت صنعت و تمدن کمک کرد. شبدر که بومی ایران است،

ومرغ خانگی و کبوتر سفید و طاوس از راه جنگهای ایران و یونان باروپا رفت (ص ۱۸۲). سفرهای اکتشافی از دهانه رود سند تا مصر و از سواحل هندوستان تا جبل الطارق، برای یافتن راههای تازه، بفرمان داریوش بزرگ انجام گرفت. نیز بفرمان او کانالی میان رود نیل و دریای احمر کنده شد و دریای مدیترانه را باقیانوس هند متصل کرد (ص ۱۸۵). بانکهای وسیع و منظم در زمان هخامنشیان بوجود آمد (ص ۱۸۶). احکام خزانهداری دولت هخامنشی اساس قدیمترین خط هندی گردید (ص ۳۵۲). از همه مهمتر، ایران قرنهای مدافع تمدن کهنسال شرق در برابر اقوام صحراگرد و نیمه وحشی بود و تمدنی را که در سواحل دجله و فرات و نیل بوجود آمده و توسعه یافته بود از آسیب حملات اقوام شرقی و شمالی محفوظ داشت (ص ۳۵۲). اعتبار و عظمت دولت هخامنشی، رأفت و تحمل پادشاهان بزرگ آن، و نظم و انضباط و حسن اداره بی مانندی که در امپراطوری ایشان نخستین بار در دنیای قدیم بوجود آمد نیز همه جا از طرف مؤلف تصریح و تأکید شده است.

در تألیف تاریخ ایران، بخصوص ایام پیش از کوروش، آقای دکتر گیرشمن در درجه اول مطالعات و اکتشافات باستان شناسی را اساس کار خود قرار داده اند، و چون خود ایشان سالها بکاوشهای باستان شناسی در افغانستان و شوش و نقاط مرکزی ایران، بخصوص سیالک اشتغال داشته اند، با اطمینان خاصی از نتایج کاوشهای باستان شناسی سخن میگویند و خواننده را بتدریج با آنچه در زیر خاک نهفته بوده و نتایج متنوعی که از آنها بدست میاید آشنا می کنند.

در نتایجی که آقای دکتر گیرشمن بدست آورده اند، توجه خود را بیشتر بجنبه های اقتصادی تاریخ ایران معطوف داشته اند، و این خود از امتیازات مهم این کتاب است. از هزاره چهارم پیش از میلاد منظمآ تأثیر کشف فلزات جدید و مصالح ساختمانی و پیشرفت فنون و ایجاد راههای تجارתי در زندگی عمومی مشرق، خاصه ایران، بیان شده و به تغییر هزینه زندگی و تغییر نرخ پول و تسهیل معاملات تجارתי و صادرات و واردات این کشورها اشاره گردیده، و با آنکه غالباً خواننده تردیدی کند

که از منابع موجود بتوان اینهمه نتایج قطعی در باب زندگی اقتصادی و کیفیت معاملات از منته قدیم بدست آورد، تصویر عمومی که از حیات اقتصادی ایران و کشورهای همسایه طرح شده تصویری زنده و روشن و منطبق با موازین تاریخی است.

نکته ای که باین کتاب میتوان گرفت، شاید همین جرأت مؤلف محترم در استنباط نتایج قطعی و روشن از مواد ناقص و پراکنده است. برای کسی که در بند دلائل و شواهد نیست این کتاب کتابی هموار و شیرین و پراز مطالب و اشارات سودمند است، اما برای پژوهنده‌ای که ذهنش دلیل و مدرک میجوید موارد ابهام و تردید کم نیست. البته حجم کتاب و برداشت آن مساعد با ایراد دلائل و طرح مسائل مورد اختلاف و ذکر حواشی و نقل مآخذ نبوده است، و اگر مؤلف میخواست برای تاریخ دوره‌ای که پر از مبهمات و اختلافات و معضلات است دلائل استنباطات و مراجع اقوال خود را بیاورد حجم کتاب چندین برابر میشد. با اینهمه خواننده‌ای که بتاریخ ایران و مآخذ و شواهد آن آشناست بزودی درمی‌یابد که مؤلف محترم در این کتاب کمتر اهل تردید و تأمل و بیشتر اهل عقاید جزم و قطعی است و تخیلی قوی و هوشی تیز پیوسته ویرا در این راه مدد کرده است. کلمه «بی شک» که مؤلف محترم در میان مواردی که حقاً میتوان در آنها شک کرد، فراوان بکار می‌برد، نشانی از خرسندی ایشان از نتایجی است که بدست آورده‌اند.

مثلاً میخوانیم «در مساکن ماقبل تاریخ ایران مجسمه‌های کوچک بسیار از ربه‌النوع عریانی بدست افتاده. این ربه‌النوع محتملاً همسری داشته که در عین حال فرزند وی نیز بوده است. بی شک مبدأ رسم ازدواج میان خواهر و برادر را باید در این مذهب بدوی جستجو کرد، و این رسمی بود که در آسیای غربی رواج داشت و پارسیها و بعداً نبطیها آنرا از مردم بومی فلات اقتباس کردند» (ص ۴۴). دلیل روشنی در دست نیست که این رسم از مردم بومی فلات اقتباس شده باشد. یکی از سرودهای کهن ریک ودا دربارهٔ جمشید و خواهرش (yami و yama) اشاره بچنین رسمی دارد (سرود دهم از دفتر دهم).

باز میخوانیم که اردشیر، بنیان گذار خاندان ساسانی، کوشید تا پرستش ناهید و شمایل او را برای جلب خاطر پرستندگان این پروردگار وارد کیش زرتشتی کند (ص ۳۱۴). این نیز مسلم نیست. فعالیت دینی اردشیر رو بهمرفته مبهم است. معلوم نیست پرستش ناهید پیش از اردشیر در میان زرتشتیان شایع نبوده باشد. در یشتهای اوستاستایش ناهید فراوان است، و بهر حال فعالیت دینی اردشیر اگر در روایات زرتشتی تردید کنیم چندان روشن نیست.

آمدن ختی‌ها (هیتی‌ها) از راه بالکان و بوسفر با آسیای صغیر (ص ۷۳ و ۶۱) نیز مسلم نیست و تنهایی از فروش ممکن است. اینکه تصور زرتشت از دو عنصر نیک و بدو نزاع دائمی آنها مبتنی بر اری است که حملات اقوام صحرا نشین بر مردم ده نشین و صلح دوست مشرق ایران در ذهن وی بجا گذاشته است (ص ۱۶۱)، اگر اصولاً ممکن باشد، لازمه آن اطلاع دقیقی از زمان و زندگی زرتشت است که متأسفانه در دست نیست، و بهر حال بازادن زرتشت در مغرب ایران که چند سطر بالاتر بآن اشاره شده سازگار نیست.

گذشته از اینگونه مطالب، که میتوان آنها را بر سلیقه شخص مولف محترم حمل کرد، بعضی اشتباهات در متن کتاب دیده میشود که اصلاح آنها در چاپهای بعد بر فواید کتاب می افزاید:

ص ۲۳: صفویه از شمال غربی ایران برخاسته اند نه شمال شرقی (ص ۱۰ متن فرانسه).

ص ۱۲۵: پدر بزرگ داریوش «ارشام» است نه «اریارمنه» (ص ۱۰۶ متن فرانسه).

ص ۲۳۱: عمارت «پایکولی»، نزدیک سرحد ایران و عراق، که یکی از مهترین کتیبه‌های پهلوی و پارتی بر آن نقش شده، بخلاف تصور سابق (Paikuli تألیف E. Herzfeld دیده شود) آتشکده یا آتشگاه نبوده، بلکه این عمارت رانرسی، پادشاه ساسانی، یادگار غلبه اش بر بهرام سوم نوه برادر خود، در محلی که در نزدیکی شهر زور یکی از گذرگاههایی که از آن میتوان از جبال غربی ایران بدشتهای بین‌النهرین

رسید، و در آن بزرگان ایران بوی پیوستند و او را بسطنت برداشتند، بنا کرد. برای اصلاح اطلاعات سابق باید به W. B. Henning, A Farwell to the Khagan of the Aq- Aqatārān, BSOAS, 1953, XIV-3, pp. 501 - 522 رجوع نمود.

ص ۳۱۵: شیز که آتشکده اذر ککشب دران قرار داشته در شمال غربی ایران بوده نه شمال شرقی.

ص ۳۲۳: هند غربی است که منطقه نفوذ شاهان کوشانی بوده، نه هند شرقی (این اشتباه فقط در متن انگلیسی دیده میشود و ظاهراً اشتباه مترجم است). مؤلف محترم سنوات مربوط بشاهان ساسانی را مطابق سنواتی که نلد که فهرست

کرده است (Th. Noldeke, Die Perser und Araber zur Zeit der Sassaniden) ذکر نموده، و از جمله وفات شاهپور اول و جلوس هر مزد اول رادر ۲۷۲ و جلوس بهرام دوم و وفات بهرام اول را در ۲۷۶ قرار داده (ص ۲۹۴) و اصلاحاتی را که اخیراً توسط تقی زاده در این تواریخ بعمل آمده و مورد قبول عامه ایران شناسان قرار گرفته است از نظر دور داشته (۱). مطابق این اصلاحات وفات شاهپور اول را در ۲۷۳ و وفات بهرام اول را در ۲۷۷ باید شمرد.

از این گذشته مختصر شکمی که مؤلف محترم در باره نفوذ و دخالت موبدان زرتشتی در قتل مانی جایز شمرده با بدست آمدن قطعه مانوی Ms (۲) و کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت، جایز نیست.

کتاب آقای دکتر گیرشمن یکی از سودمندترین و شیرین ترین کتابهایی است که در باره تاریخ پیش از اسلام ایران برای مردمی که میخواهند داستان پیوسته ای از تاریخ این دوره را ببینند تألیف شده و بی شک عده زیادی از خوانندگان را ممنون و مستفید خواهد ساخت.

۱- برای این اصلاحات از جمله رجوع شود به S. H. Taqizadeh, The Early Sassanians, BSOAS, Vol. XI, Part I, 1943

۲- رجوع شود به W B. Henning, Mani's Last Journey, BSOAS, Vol. x, 1942. pp. 950 - 53

و همچنین به Ch. Puech, Le manicheisme, p. 50, 136 (notes)